

محمد فرحمند.

## وفای به عهد با تأکید بر ایفای ناروا و استیفای ناروا

اساتید راهنما: دکتر محمود المیر و دکتر مهدی نقوی

استاد مشاور: دکتر مجتبی نیکدوستی

تاریخ دفاع: ۱۳۸۳/۱۱/۱۵

وفای به عهد (ایفای تعهد) با مبنایی اخلاقی، مذهبی و قانونی در همه نظام های حقوقی همواره مورد تأکید بوده است. اهمیت ایفای تعهد، ناشی از فلسفه وجودی تعهدات است. بدین معنی که ایفای تعهد به عنوان یک واقعه حقوقی، متعهد را ملزم می نماید بواسطه یک عمل حقوقی مکمل آن واقعه حقوقی، موضوع تعهد را به تصرف متعهدله در آورد؛ تا ازین طریق هم متعهدله به خواسته خویش دست یابد و هم متعهد بری الذمه شود. برای تحقق وفای به عهد اعم از آنکه تعهد ناشی از وقایع حقوقی، اعمال حقوقی یا قانون باشد، متعهد (یا نماینده او و یا هر شخص ثالثی) بایستی موضوع تعهد (اعم از آنکه فعل، ترک فعل، انتفال و یا انشای تعهدی دیگر باشد) را به گونه ای در حق متعهدله (یا نماینده قانونی، قرار دادی یا قضای او) در مکان و زمان قراردادی، عرفی یا قانونی پرداخت نماید که ایشان متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات آن گردد. لازمه صحت و اعتبار ایفای یک تعهد توسط متعهدلهف استیفای موضوع آن تعهد، توسط متعهدله است. بنابراین ایفاء و استیفاء به معنای خاص، لازم و ملزوم یکدیگرند. به تبع این ارتباط، نتیجه هر ایفای ناروا، یک استیفای ناروا می باشد. در واقع ایفای ناروا و استیفای ناروا به عنوان دو نهاد حقوقی مستقل، اما مرتبط با یکدیگر، از جمله منابع ضمان قهری محسوب می گردند؛ که وقوع آنها موجب انتقال ناحق و ناروای دارایی از شخصی به شخص دیگر می شود. این امر همواره مورد نکوهش و انتقاد اخلاق، مذهب و قانون بوده است. لذا قانون گذاران با فلسفه جلوگیری از تحصیل ناروای ثروت و برقراری عدالت، مبنی بر منع استیلا ناحق بر دارایی دیگری، اقدام به وضع چنین تأسیساتی نموده اند که با حکومت آنها از یک سو، هر شخصی دارایی (مال یا عمل) خویش را به ناروا به دیگری پرداخت نماید با استناد به ایفای ناروا، حق استرداد آنها را خواهد داشت و از سوی دیگر هر شخصی ثروتی (مال یا عملی) را به ناروا از دیگری دریافت کند بر اساس قاعده استیفای ناروا ملزم به استرداد آن به صاحبش خواهد بود. با این تفصیل وجود ارتباط منطقی و حقوقی میان دو قاعده ایفای ناروا و استیفای ناروا، به عنوان منابعی از ضمان قهری

ایجاب می نماید که از نظر قانونی و عملی نیز ارتباط میان آنها بررسی شود؛ تا بدین ترتیب بتوان قواعد مدون جامع و مانعی، با مبنای جلوگیری

از دارا شدن غیر عادلانه گردآوری کرد.